



حال هم احوال جواد را جویا می‌شد.

گزیده‌ای از وصیت‌نامه شهید

«کسانی را که در راه خدا کشته شده‌اند، مرده میندار، بلکه آن‌ها زنده‌اند و نزد پروردگارشان روزی می‌خورند.» مادر عزیزم! اگر خداوند ان شاء... توفیق شهادت را نصیبم کرد، در غم شهادتم بی‌بی‌زینب را به یاد آور که چگونه آن اسطوره صبر و مقاومت در عصر عاشورا در میان قتلگاه مشرف شد و وقتی بدن قطعه قطعه شده برادرش را می‌بیند، سر به آسمان بلند کرده و به جای گریه و شایون می‌گوید: «خدا یا! این قربانی کم را از ما قبول کن.» مادرم! پس شهادت با این وضعیت افتخاری است که نصیب هر کس نخواهد شد و برای شهدای ما همین بس که لحظه جان دادن، جمال زیبایی آقا و مولا امام زمان (عج) را ببینند و سر بر دامن بی‌بی دوعالم (س) جان بسپارند. از برادران و خواهران خویش هم می‌خواهم که صبر داشته باشند و در شهادتم گریه نکنند که نشانه سستی و ضعف و دشمن‌شادکن است. شاد باشید که من با عروس زیبای شهادت، ازدواج کرده و به آرزوی دیرینه خود رسیده‌ام.»

اماد بر برخی جبهه‌ها به دلیل پیش‌بینی و آمادگی دشمن، نقشه به خوبی پیش رفت. همین موضوع باعث شد برخی یگان‌ها که موفق عمل کرده بودند، قیچی شوند و به محاصره دشمن درآیند و تعدادی از نیروهای آن‌ها شهید و مفقود شوند که از جمله آن‌ها گردان خط‌شکن جواد بود که به محاصره درآمد. در این عملیات با وجود آنکه دشمن بعضی بارها دست به پاتک زد و چندین بار بلندی‌های منطقه بین طرفین دست‌به‌دست شد، رزمندگان با تمام توان تا پایان ششمین روز مقاومت کردند تا اینکه سرانجام نیروهای خودی توانستند اهداف به دست آمده را تثبیت کنند و حالت پدافندی بگیرند.

صبر یعقوب‌وار پدر در فراق پسر

وی ادامه می‌دهد: والفجر یک باتوجه‌به موانعی که نیروهای ما از آن گذشتند و به دلیل اهمیتی که دارد، باید در تاریخ ثبت شود؛ به‌ویژه آنکه دشمن از مکان و زمان حمله کاملاً باخبر بود و طبق گفته اسرا، حتی از ساعت شروع عملیات خبر داشت. جواد سرانجام ۲۴ فروردین ۶۲ و در جریان همین عملیات و در حالی که مسئولیت جانشینی گردان فلق را برعهده داشت، جاویدالآخر شد. سرانجام پس از ۹ سال (سال ۱۳۷۱) پیکر ایشان را گروه تفحص تیپ ۲۱ امام رضا (ع) به همراه ۷۶ شهید دیگر شناسایی کردند و به مشهد بازگرداندند و در بهشت رضا در جوار دیگر هم‌رزمانش آرام گرفت. در مدت این ۹ سال پدر و مادر به‌رحمت خدا رفتند و این در حالی بود که در فراق فرزند گمشده خود، یعقوب‌وار سوختند و صبر پیشه کردند، حتی یادم هست سال ۷۱ که اسرا در حال بازگشت به ایران بودند، پدرم در بستر بیماری افتاده بود اما در همین

پدر ماهم روی زمین کار می‌کرد. کشاورزی شغل انبیاست و همین رزق حلالی که پدرم به ماداد، عاقبت به‌خیری شهید را در پی داشت

مشارکت فعال داشت و به سبب ارتباط با دفتر علما، اعلامیه‌ها و سخنرانی‌های امام را پخش می‌کرد. با شروع تحریکات گروه‌های ضدانقلاب از جمله حزب منحل کومله و دموکرات در غرب کشور، داوطلبانه به کردستان رفت و پس از سه مرحله اعزام، با تیپ ویژه شهدا که فرماندهی آن را سردار شهید محمود کاوه برعهده داشت، همکاری کرد. جواد باتوجه‌به داشتن روحیه قوی، هوش و زکاوت و نشان دادن شهادت و شجاعت از خود، به‌زودی به عنوان فرمانده دسته انتخاب شد. با شروع جنگ تحمیلی به جبهه اعزام شد و در قامت یک پاسدار با فرماندهی دسته، گروهان و سرانجام جانشین گردان در تیپ ۲۱ امام رضا (ع) مشغول فعالیت شد و در عملیات‌های مختلفی شرکت کرد.

فرماندهی مقتدر و باصلاحیت

وی می‌افزاید: جواد در عملیات والفجر مقدماتی با شکستن خطوط دفاعی دشمن که پر از مواضع ایذایی، کانال‌های عمیق و گاهی آغشته به قیر، میدان‌های مین و دیگر استحقاقات در دشت‌های رملی فکه بود، به همراه نیروهای تحت امرش به خوبی عمل کرد و گذشت. در این عملیات، سرداران بزرگی مانند حسن باقری و بقائی به شهادت رسیدند اما ایشان توانست خط دشمن را بشکنند و پیشروی کند. ترس هرگز به وجودش راهی نداشت و هر جا که خطری بود، در نوک حمله و به عنوان خط‌شکن حضور داشت. او در هنگام عملیات، بسیار جدی و فعال و پرتلاش بود اما در عین صلابت و اقتدار بسیار متواضع، فروتن، خاکی و بی‌ادعا بود. شهادت را با شناخت انتخاب کرده و با خدا عهد بسته بود تا رسیدن به این هدف از پاننشیند و به همین علت، تحول و شور و شفع عجیبی در نهاد وی وجود داشت.

گردان خط‌شکن عملیات والفجر

علی اسماعیل پور طرقي که در این هنگام خود نیز در جبهه حضور داشته است، تعریف می‌کند: سرانجام سه ماه پس از عملیات والفجر مقدماتی، والفجر یک در ساعت ۲۲:۱۰ بیستم فروردین ۱۳۶۲ با رمز یا... آغاز می‌شود و یگان‌های عمل‌کننده، هجوم را آغاز می‌کنند. آن هنگام من در لشکر ۵ نصر بودم و جواد در لشکر ۲۱ امام رضا (ع) و جزو نیروهای عمل‌کننده بود. در این عملیات، موقعیت منطقه بیشتر تپه ماهور (تپه‌های کوتاه) بود و بلندی‌های مهم آن از ۱۸۰ متر بیشتر نمی‌شد. با وجود لورفتن عملیات و آتش سنگین بعضی‌ها در چند محور، نیروهای رزمنده توانستند هدف‌های خود را به‌طور کامل تصرف کنند

